



بسم الله الرحمن الرحيم (1)

برادران عزیز و خواهران عزیزی که اینجا تشریف دارید! خیلی خوش آمدید. تشکر میکنم از جناب آقای نورمفیدی و همچنین بقیه‌ی برادران دست‌اندرکار که این کار بزرگ و این حرکت ماندگار را در مورد شهدای عزیز آن خطه بنا نهادید و اقدام کردید.

مسئله‌ی شهدا مسئله‌ی بسیار مهمی است و ما هنوز که هنوز است، اهمیّت کاری را که جوانهای ما در این دوران طولانی بعد از پیروزی انقلاب تا امروز انجام داده‌اند، بخصوص در دوران دفاع مقدّس، تقویم (2) واقعی نکرده‌ایم؛ یعنی هنوز آن وزن واقعی این کار را در حفاظت از انقلاب، از نظام، از کشور، از عزّت ملی و از آینده و تاریخمان، شاید حالا تشخیص هم نداده‌ایم اما ابراز [هم] نکرده‌ایم و نشان نداده‌ایم. لذا این کارهایی که شما میکنید، کارهایی است در این جهت و در این صراط، خیلی ارزشمند است.

خب، بیانات جناب آقای نورمفیدی، وافی بود و مطالب کاملاً خوب و درستی را در مورد مسائل انقلاب بیان فرمودند و [بیانات] آقایان هم همین‌جور. اگرچه بعضی از این مطالبی که گفته شد، باب هیئت دولت و مانند اینها بود، ولی خب به هر حال مطالبی بود راجع به یک منطقه‌ی مهم که منطقه‌ی گلستان است.

یک چند جمله‌ای ما در مناقب گلستان عرض بکنیم. منطقه‌ی گلستان منطقه‌ای است که از لحاظ نیروی انسانی و مردمی، به دلایل گوناگون، حقاً یکی از مناطق ممتاز است. اولاً یک نکته‌ای که آقای نورمفیدی روی آن تکیه کردند و بسیار مهم است، [مردم] یک همزیستی مطلوب و موثری را در بین اقوام و مذاهب - در گرگان، در منطقه‌ی گلستان و ترکمن صحرا - دارند ارائه میکنند که اینها خیلی مهم است. امروز پولهایی که خرج میشود برای ایجاد اختلاف بین مذاهب اسلامی و بین سنی و شیعه و به قول فرنگی‌ها اتاقهای فکر - که می‌نشینند و فکر میکنند و طراحی میکنند و برنامه‌ریزی میکنند - اگر تشریح بشود برای مردم، واقعاً مردم تعجب خواهند کرد که این همه کار دارد میشود برای اینکه دو نفر مسلمان که یکی سنی یا یکی شیعه است، پهلوی همدیگر ننشینند، با هم حرف نزنند، باهم قهر باشند، باهم دشمن باشند، علیه هم سلاح بکشند. علی‌رغم همه‌ی اینها در ایران اسلامی درست به‌عکس آنچه آنها خواسته‌اند، اتفاق افتاده است و یکی از بهترین مناطق در این زمینه، منطقه‌ی گلستان است که من از قبل از انقلاب آمده‌ام و هم به گنبدقابوس، هم گرگان، هم بعضی شهرهای دیگر مثل گالیکش و مانند اینها رفته‌ام و میدانم که چقدر مردم آنجا در حفظ این همزیستی و این همکاری و این محبت طرفینی، کوشا و ساعی بوده‌اند. این خیلی باارزش است، این را باید حفظ کرد، این را باید نگه داشت. بنده چند سال قبل از این در سفری که آمدم گرگان، یک روزی یا یک نصف‌روزی - یادم نیست چقدر - رفتم گنبد. (3) مردمی که در گنبد اظهار محبت به ما میکردند، اکثریت قاطعشان برادران اهل سنت بودند. خب، این درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که امروز سعودی‌ها و تکفیری‌ها و پشت سر آنها آمریکا و سرویس‌های جاسوسی سی‌آی‌ای و اینتلیجنس سرویس و مانند اینها دارند کار میکنند؛ این درست نقطه‌ی مقابل آن است؛ یعنی کار سیاسی به‌معنای واقعی کلمه هدف‌دار، جهت‌دار، صحیح، بُرنده و قاطع است. این یکی از مناقب منطقه‌ی گلستان است که به نظر من خیلی مهم است.

همین اواخر - چند ماه قبل از این - یک نامه‌ای برای من آمد از [خانواده‌ی] آن بانوی ترکمن که در قضایای منی به شهادت رسیده بود. (4) خانواده‌ی ایشان برای من نوشته بودند که ایشان مکه رفته و یکی را استشهاد کرده که از طرف حقیر زیارت رفته - حالا یا همین سفر یا یک سفر قبل - این خیلی مهم است. یک بانوی ترکمن، بدون اینکه من او را بشناسم، نام او را بدانم، به نیابت از این حقیر بلند میشود میرود سفر مکه و حج میکند و بعد هم این را استشهاد میکند - استشهاد کردند، نوشتند و امضا کردند، چند ماه قبل از این برای ما فرستادند - اینها آن چیزهایی است که در کشور ما و در ملت ما، آن نقاط قوت حقیقی است. این جنگ نامتقارن که گفته میشود، معنایش این



است که یک طرف از یک وسایلی و ابزارهایی برخوردار است که طرف دیگر، آن ابزارها را ندارد و حتی گاهی نمیشناسد؛ یک مصداقش همین است. این محبتها، این ارتباطها، این هماهنگیها چیزهایی است که طرف مقابل ما - که استکبار جهانی است، صهیونیسم است، آمریکا است - اصلاً اینها را نه میدانند و نه حتی می‌شناسند و نمیتوانند تحلیل بکنند؛ برایشان قابل تحلیل هم حتی نیست. این یک نکته است.

یک نکته هم مسئله‌ی وفاداری این مردم به انقلاب و مسائل انقلاب است. من سال 43 آدمم گرگان، آنجا منبر میرفتم. حدود یک سال بعد از قضایای پانزدهم خرداد بود؛ دهه‌ی دوّم یا سوّم صفر بود؛ آن اجتماع و حرکتی که مردم میکردند و آن استقبالی که مردم میکردند و آن هیجانی که مردم نشان میدادند، برای من شگفت‌آور بود؛ نشان‌دهنده‌ی بیداری و علاقه‌مندی مردم به این حرکت بود؛ هنوز آن‌وقت خبر زیادی هم که نبود، هنوز مبارزه همه‌گیر و فراگیر که نشده بود.

بعد هم قضایای دوران انقلاب. همین مسئله‌ی پنجم آذر - که آقایان اشاره کردید - (5) روز مهمّی در قضایای گرگان است. مردم در گرگان، قضایای حمله‌ی به حرم امام رضا در مشهد را شنیدند و به‌طور خودجوش به حرکت درآمدند؛ نه کسی دعوت کرد، نه کسی پذیرایی کرد، آمدند وسط میدان که خب به آنها حمله شد. یکی دو هفته بعد در گنبدقابوس هم این اتفاق افتاد، در گالیکش هم این اتفاق افتاد؛ یعنی مردم وسط میدان آمدند. یا اوایل انقلاب در این حرکتی که در آنجا از طرف مارکسیست‌ها اتفاق افتاد - آن کشتار و آن تجزیه‌طلبی و اینها - عمده‌ی آن چیزی که توانست گرگان را نجات بدهد یا آن منطقه را نجات بدهد یا ترکمن صحرا را نجات بدهد، ایستادگی مردم بود. چون آنهایی که آمده بودند آنجا لانه کرده بودند و از خود آنجا یک مقدار سربازگیری کرده بودند، اینها پشتوانه‌ی مردمی نداشتند. وقتی یک گروهی پشتوانه‌ی مردمی ندارد، زود شکست می‌خورد. مردم با این طرف بودند، مردم با انقلاب بودند، مردم طرف‌دار امام بودند. به‌هرحال بحمدالله مناقب مردم زیاد است.

در دوران دفاع مقدّس هم، هم ارتش - همان لشکر 30 که اشاره کردند- (6) و هم لشکر 25 سپاه منطقه‌ی گلستان و گرگان، واقعاً خوش درخشیدند و کارهای بزرگی را انجام دادند که حالا ایشان به بعضی از آن کارها اشاره کردند. یک روز آقای نورمفیدی هم بودند که بنده رفتم مرکز و جمعی از دوستان گرگانی هم آمده بودند آنجا، به نظرم مرحوم آقای طاهری (7) هم آنجا بود؛ خداوند ان‌شاءالله ایشان را هم رحمت کند و درجاتش را عالی کند، ایشان هم خیلی نقش داشت. به هر حال این حضور آنها در عرصه‌ی جنگ و فعالیت‌هایی که انجام میدادند، فعالیت‌های فوق‌العاده‌ای بود. حالا راجع به مردم گرگان، هرچه در این زمینه صحبت بکنیم زیاد نیست؛ من از همین‌جا سلام می‌فرستم به تک‌تک مردم عزیزمان از شیعه و سنی و بخصوص به علمای منطقه از شیعه و سنی؛ این زحمت را جناب آقای نورمفیدی از طرف ما بکشند و به همه‌ی علمای آنجا و به همه‌ی مسئولین فعال آنجا سلام این حقیر را ابلاغ کنند و [همچنین] به همه‌ی مردم؛ من واقعاً به مردم گرگان احساس محبت و اعتماد و اخلاص میکنم.

همان‌طور که عرض کردیم مسئله‌ی شهدا را باید خیلی جدّی گرفت. ما برای شهدا همان ارزشهایی را باید قائل باشیم که خدای متعال برای اینها قائل است که [فرمود]: *يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْبَةِ وَالْإِنجِيلِ وَالْقُرْآنِ*؛ (8) این کسانی که در راه خدا مجاهدت میکنند و جان خودشان را در کف دست میگیرند، هم دشمن کشتنشان، هم کشته‌شدنشان ارزش دارد؛ پیش خدای متعال وعده‌ی الهی بر رحمت به اینها است. حالا آن که جانش را در این راه از دست میدهد، در روایات داریم که هنوز از این نشئه (9) خارج نشده، علائم رحمت الهی را مشاهده میکند؛ یعنی در روایات دارد بجزّد اینکه شهید از اسب می‌افتد - آن وقت با اسب می‌جنگیدند - هنوز به زمین نرسیده، وعده‌ی الهی را دریافت میکند؛ یعنی حتی در این نشئه چشمش باز میشود و حقیقت را میبیند و رحمت الهی را، فضل الهی را به‌طور ملموس درک میکند و دریافت میکند؛ این ارزش شهدا است. اگر این شهادتها نبود، اگر این فداکاری‌ها نبود، این نظام باقی نمی‌ماند؛ این نهال، مورد تهاجم طوفانهای سخت بود. علت اینکه این نظام باقی ماند و این نهال از بین نرفت و بحمدالله به این درخت تناور تبدیل شد، فداکاری‌ها و ایثارگری‌ها و شهادت‌طلبی‌ها و وارد میدان شدن‌ها بود؛ این را باید نگه داشت. دشمن را باید شناخت، کید دشمن را باید شناخت.



امروز شما ملاحظه کنید در قضایای جهانی، در آنجایی که استکبار نقشه‌ی اساسی نسبت به این منطقه دارد، آن نقطه‌ی مرکزی عبارت است از ایران؛ چرا؟ به خاطر انقلاب اسلامی، به خاطر این ملت مؤمن، به خاطر ایمان اسلامی که در اینجا هست. ما آماج حملات زیادی هستیم؛ خوشبختانه خدای متعال به ما قدرت داده، توانایی داده؛ هم نیروی انسانی داریم، هم کشور بابرکتی داریم، کشور بزرگی داریم، جمعیت زیادی داریم، نسل جوان با استعداد و بینا و متحرکی داریم؛ اینها امکانات ما است؛ اینها امکانات کمی نیست، خیلی امکانات باعظمتی است؛ اینها را باید به کار بگیریم. و در درجه‌ی اول هم مخاطب این حرفها مسئولین هستند؛ و بعد هم آحاد مردم؛ همه باید احساس کنند که در قبال این حادثه‌ی عظیمی که اتفاق افتاد - که پرچم اسلام برافراشته شد - وظیفه دارند؛ این چیز کوچکی نیست. در آن دورانی که همه‌ی دستها و سیاستها و قدرتها سعی‌شان بر این بود که مطلق دین را، بخصوص اسلام را منزوی کنند، آن وقت زنده‌ترین ادیان یعنی اسلام عزیز و گویاترین متون الهی یعنی قرآن کریم، بتواند در یک کشوری خودش را بالا بکشد و گستره‌ی کشور را در دست بگیرد و علاوه بر این، حدود جغرافیایی را در هم بریزد و وارد مناطق گوناگون دنیا بشود، این خیلی حادثه‌ی عجیب و مهمی است. دشمن این حادثه را دید و احساس خطر کرد و از روز اول هم علیه نظام اسلامی مشغول فعالیت و تلاش شدند و تا امروز هم بحمدالله نتوانسته‌اند و بعد از این هم قطعاً به فضل الهی نخواهند توانست [کاری بکنند]؛ لکن شرطش این است که همه‌ی ما احساس مسئولیت کنیم یعنی همه باید احساس مسئولیت کنیم و هر کدام در هر جا که هستیم، واقعاً وظیفه‌ی اولی و اصلی خودمان را دفاع از نظام اسلامی قرار بدهیم و حرکتمان را با این تنظیم کنیم. این کار شما هم که [نام] شهدا را احیاء میکنید و نام اینها را بلندآوازه میکنید و برای اینها بزرگداشت میکنید، قطعاً در همین جهت و مؤثر در این راه است و ان‌شاءالله یک صدقه‌ی جاریه و یک حسنه‌ی ماندگار است و خداوند متعال ان‌شاءالله به شما پاداش خیر خواهد داد.

سعی کنید این منشورات و این محصولات کار خودتان را به ذهنها برسانید، به مخاطبها برسانید. یعنی ما فقط دلمان به این خوش نباشد که حالا کتابی را تولید کردیم؛ البته بلاشک تولید کتاب مهم است یا تولید فیلم و تولید هنری مهم است؛ منتها در کنار این، پیدا کردن مخاطب یا به یک معنا تولید مخاطب [مهم] است. سعی کنید کتاب را بتوانید به ذهن مخاطبین برسانید. امروز جوانهای ما احتیاج دارند به خوراکیهای فکری. خیلی از این جوانهای امروز ما حتی جوانهای فعال و خوب ما هم نه انقلاب را درک کردند، نه امام را درک کردند، نه دوران جنگ را درک کردند، نه از این قضایای گوناگون مطلعند. حالا شما گفتید پنجم آذر؛ خب جوانهای گرگانی میدانند پنجم آذر چه اتفاقی افتاده؟ این خیلی مهم است. بدانند روز پنجم آذر چه اتفاقی افتاده که در تاریخ ثبت شده؛ یعنی این مهم است. اینکه جوانها تاریخ خودشان را، گذشته‌ی خودشان را و در واقع شناسنامه‌ی انقلابی خودشان را بدانند، خیلی مهم است. این را باید سعی کنید که حتی المقدور انجام بدهید. این هم البته احتیاج دارد به کار؛ یعنی کار ساده‌ای نیست. مشکل‌تر از کتاب نوشتن، رساندن کتاب به چشم و ذهن مخاطب است؛ این خیلی مهم است. این هنر لازم دارد، دقت لازم دارد، ظرافتهایی دارد که بایستی بتوانید اینها را وارد ذهن اینها بکنید.

همین مسئله‌ی سنی و شیعه که مطرح شد - هم ایشان فرمودند، (10) هم من عرض کردم - خیلی مسئله‌ی مهمی است؛ جوانهای شیعه و سنی بدانند که این چقدر مهم است. امروز دشمنان از این اختلافات، از این دلخوری‌هایی که گاهی به وجود می‌آید - یا از این طرف، یا از آن طرف - دارند استفاده میکنند. امثال داعش و تکفیری‌ها و مانند اینها از همین چیزها دارند استفاده میکنند؛ ما باید جلوی استفاده‌ی اینها را بگیریم. این نمیشود مگر اینکه جوان شیعه، جوان سنی، بدانند که این کاری که الان دارند میکنند، این هماهنگی و هم‌زیستی و هم‌کلامی و همدلی‌ای که بین اینها هست، خیلی چیز بزرگی است؛ این بزرگ‌ترین حربه است بر ضد دشمن ایران، دشمن اسلام و دشمن قرآن. این را بدانند و حفظ کنند. اینها را بایستی به شکل ملموسی به ذهن مخاطبان جوان خودمان منتقل و منعکس کنیم.

ان‌شاءالله خداوند شما را موفق بدارد. خداوند ان‌شاءالله درجات گذشتگان شما را و علمای بزرگ گرگان را - که ما با بعضی‌شان از نزدیک آشنا بودیم و زیارتشان کرده بودیم - عالی کند. خدا ان‌شاءالله توفیقات دوستانی را که الان



هستند – جناب آقای نورمفیدی، شماها و دیگر برادرانی که فعال هستید – روزبه روز بیشتر کند و بتوانید ان شاءالله در این راه، قدمهای محکم و استواری را بردارید. www.leader.ir

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

1. در ابتدای این دیدار – که در چارچوب دیدارهای دسته جمعی برگزار شد – حجت الاسلام والمسلمین سیدکاظم نورمفیدی (نماینده ولی فقیه در استان گلستان و امام جمعه ی گرگان)، آقای حسن صادقلو (استاندار گلستان و رئیس کنگره) و سرتیپ دوّم پاسدار رحمتالله صادقی (فرمانده سپاه نینوای گلستان و دبیر کنگره) گزارشی ارائه کردند. اولین اجلاسیه ی ملی این کنگره بیست و پنجم آذر ماه سال جاری در گرگان برگزار خواهد شد.
2. ارزیابی
3. سفر به گرگان در تاریخ 26/7/1374 و سفر به گنبد در تاریخ 27/7/1374
4. خانم مرجان نازقلچی (فرماندار سابق شهرستان بندر ترکمن)
5. اشاره به وقایع پنجم آذر سال 1357
6. اشاره به سخنان دبیر کنگره
7. حجت الاسلام والمسلمین سیدحبیب الله طاهری گرگانی (نماینده ی مردم گلستان در مجلس خبرگان رهبری)
8. سوره ی توبه، بخشی از آیه ی 111
9. دنیا
10. نماینده ی ولی فقیه و امام جمعه ی گرگان